



انقلابی‌گری را با افراط‌گری نفی نکنیم

سیدمحمدمهدی حسینی‌همدانی، در خطبه‌های این هفته‌نماز جمعه کرج گفت: «دشمنان با استفاده از رسانه‌های غربی، صهیونیستی و استکباری با شایعه‌ها، تهدید، تحریم‌ها و خبرهای دروغ به دنبال منحرف کردن مردم از خط امام (ره) یا انتقاد در اهداف انقلاب هستند.» وی در ادامه افزود: «برای اینکه بتوانیم در مقابل دشمنی‌ها بایستیم باید اهل مقاومت و تسلیم‌ناپذیری بود؛ تنها راه دفع ضرر دشمن مستکبر تسلیم نشدن در مقابل آمریکاست؛ البته ما استکبارستیزی و مقابله با آمریکا را از امام یاد گرفتیم.» حسینی همدانی تأکید کرد: «نباید در مسیر مبارزه با دشمنان خسته شد؛ همه بدانند که ما امروز به روحیه انقلابی؛ مشی انقلابی، شعار انقلابی و اصول و مبانی انقلاب امام بزرگوار-مان نیازمند هستیم. انقلابی‌گری را با عناوینی مانند افراط‌گری نفی نکنیم، انقلابی‌گری نیاز امروز کشور است، این همان درسی است که امام بزرگوار به ما داد؛ سیاست ما عین دیانت ماست.»



آزادی ناروا در جامعه داریم

سیداحمد علم‌الهدی، در خطبه‌نماز جمعه این هفته، با بیان این‌که جامعه ما امروز با یک مسئله مواجه است که آفت تشکّل خانواده است، عنوان کرد: «توسعه فحشاء، بی‌پندوباری و لنگاری در جامعه انگیزه تشکیل خانواده را در جامعه از بین می‌برد؛ اگر در جامعه‌ای آغوش رایگان وجود داشته باشد و فحشاء و فساد به حدی برسد که انگیزه تشکیل خانواده را از نسل جوان بگیرد، آن جامعه، جامعه‌ای سقوط کرده خواهد بود.» وی در ادامه افزود: «حجاب یک قانون و حکم شرعی است و بانوان باید تکلیف شرعی را خودشان بدانند، وقتی می‌گوئیم مسئله حجاب مطرح نیست یعنی برای ما بی‌حجابی و ناهنجاری اجتماعی در جامعه مطرح است. امروز گستره فساد و توسعه فحشاء در جامعه را ببینید و شما دیدید با آزادی ناروا و به‌ناحق‌ی که در مملکت برای بی‌حجابی ایجاد کردند، الان در خیابان‌ها شاهد عربانی و برهنگی هستیم.»



مراقب غلط‌های زیاد خود باشید

احمد خاتمی در خطبه نماز جمعه این هفته تهران با بیان اینکه خودباوری ملی از مبانی انقلاب است، گفت: «خودباوری معجزه‌ها کرد. در انرژی هسته‌ای می‌گفتند یک سانتریفیوژ هم نباید داشته باشیم ولی غنی‌سازی ۲۰ درصدی انجام دادیم؛ نگرانی ترامپ بمب اتم نیست چون می‌داند ما بمب اتم نداریم که البته از ترس آنها نیست بلکه سلاح کشتار جمعی در دین ما وجود ندارد. آنها نگران فناوری هسته‌ای هستند، ولی این فناوری در ایران بومی‌سازی شده و ما در داخل کشور غنی‌سازی در حد نیاز کرده و می‌کنیم و دشمنان هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. غلط زیادی است که‌می‌گویند غنی‌سازی نباید در ایران انجام شود. به کوری چشم دشمنان غنی‌سازی کرده و می‌کنیم. انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست.» وی در ادامه با اشاره به اینکه نفرت از طاغوت یکی دیگر از مبانی انقلاب اسلامی است، افزود: «شما چه کسی هستید که می‌گویید غنی‌سازی نباید در ایران انجام نشود. مراقب اظهارات و غلط‌های زیاد خود باشید.»

سیاست

POLITICS



سیدحسن‌رسولی عضو مرکزی جبهه اصلاحات ایران

زیر چتر توسعه‌طلبی جمع شویم

سیدحسن‌ رسولی، عضو مرکزی جبهه اصلاحات ایران در گفت‌وگو با هم‌میهن می‌گوید رویکرد اصلاح طلبانه نسبتی با تنگ‌نظری، با خود‌شیفتگی‌های خیالی، با خودی و غیرخودی کردن بخش‌های مختلف جامعه ندارد.

آقای خاتمی در صحبت‌های اخیر خود تأکید کردند که اصلاح‌طلبی فراتر از جبهه اصلاحات است. ارتباط جبهه اصلاحات با اصلاح‌طلبان خارج از جبهه باید چگونه باشد و جایگاه سیاسی این گروه در فضای سیاسی ایران چیست؟

بنیاد بپاران در دوره‌ای در مورد اصول و مبانی اصلاحات مطالعاتی انجام داد و براساس کارنامه عملکردی و موضع‌گیری‌های جریان اصلاحات، چه در مقطعی که بخش قابل توجهی از قدرت در دو قوه مقننه و مجریه را در اختیار داشت و چه در سال‌های بعد از آن در حوزه عمومی و اجتماعی، بر مبنای یک نظریه و یک دکترین سیاست‌ورزی خود را تنظیم و اعمال کرد. یکی از این معیارها نگاه اصلاح‌طلبان به ایران و به‌خصوص به توسعه ایران بود. همچنان که آقای خاتمی در پیام اخیرشان به گردهمایی اصلاح‌طلبان استان‌ها اشاره کردند، دغدغه ایران و توسعه ایران و فراهم کردن زندگی آبرومندانه‌تر، اصلی‌ترین دغدغه اصلاح‌طلبان بوده است. آقای خاتمی در آخرین سال دوره ریاست‌جمهوری خود در دانشگاه تهران در یک جمع عمومی توسط تعدادی از دانشجویان مورد بازخواست و سوال قرار گرفتند و جمله‌ای گفتند که بعداً این جمله نقطه عطفی در تصدیق این نوع گرایش سیاسی اصلاح‌طلبان به نظرات منتقد و حتی مخالف‌شد. ایشان گفتند «زنده‌باد مخالف‌من!». در بخش دیگری با هدف تقویت حفظ تعلق همه ایرانیان به این سرزمین گزاره

اصلاحات فراتر از جبهه اصلاحات

با وجود پیشینه تاریخی اصلاح خواهی در ایران، در سال‌های اخیر اصلاحات بیشتر به جریان سیاسی اصلاح‌طلبان گره خورد و عدم موفقیت این‌جریان در ادامه حرکت بر مدار اصلاحات به دلایل مختلف از حذف و برخورد گرفته تا هر آنچه در مسیرشان شاهد بودیم؛ منجر به ایجاد شکافی بین گروه‌های اصلاح خواه بطن جامعه با آنها شد. با وجود آنکه مفهوم اصلاحات همچنان برای تغییر فرایندهای نامطلوب در جامعه به کار برده می‌شود اما این موضوع مدتی است مطرح شده که اگر اصلاح‌طلبان قصد بهبود در جامعه را دارند باید فاصله اصلاح خواهی با اصلاح طلبی در جامعه کاهش یابد. چنانچه در نشست اخیر جبهه اصلاحات نیز سیدمحمد خاتمی با اشاره به این موضوع تصریح کرد که «اصلاحات فراتر از یک حزب و یک جبهه است و کم نیستند افراد و جریان‌هایی که نظراً و عملاً اصلاحات را می‌پذیرند و به لوازم آن پای‌بندند ولی به هر دلیل در یکی از احزاب و تشکل‌ها و حتی جبهه نمی‌گنجد یا حضور ندارند.» در همین رابطه روزنامه هم‌میهن با غلامرضا ظریفیان، سیدحسن‌ رسولی و محمدرضا جلالی‌پور، سه چهره اصلاح‌طلب گفت‌وگویی انجام داده که در ادامه می‌خوانید.



منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاست

غلامرضاظریفیان فعال سیاسی اصلاح‌طلب:

جامعه سیاسی دچار اکنون‌زدگی است

نگاه کاملاً باز، که هم به تجارب جهانی گوش می‌دهد و هم نیازهای جامعه در آن نو به نو می‌شود. براین اساس اصلاحات را می‌توان با این نگاه، نه‌فقط اصلاح‌طلبان که مجموعه‌ای شناسنامه‌دار توصیف کرد که جبهه‌ای به نام جبهه اصلاح‌طلبان داریم و دارای مانیفست و چارچوبی هستند. اصلاحات فراتر از این جریان اصلاحات است و می‌تواند بسیاری از کسانی را که برچسب اصلاحات ندارند اما اندیشه اصلاح‌طلبانه دارند را در خود جای دهد و آن‌ها کمک کنند که روند جامعه به جای شورش و انقلاب و هرج و مرج به سمت اصلاحات با نگاه روبه جلو برود.

آپس در واقع باید اصلاح‌طلبی را به اصلاح خواهی که شما اشاره کردید قدمت صد و اندی‌ساله نزدیک کنیم. برای این نزدیک‌تر شدن باید چکار کرد؟

مشکلی که ما در کشور داریم، نوعی اکنون‌زدگی در مسائل و حوادثی است که در کشور رخ می‌دهد؛ چه در گذشته و چه الان هم اصلاح‌طلب‌ها و هم کسانی که‌شناسنامه اصلاحات ندارند اما در عین حال‌مصلح هستند، همگی معطوف به مسائل اکنون شدند و کمتر فرصت کردند که این تیار ۱۵۰ ساله را عمیقاً مورد واکاوی قرار دهند و تبدیل به نوعی فهم تاریخی کنند؛ چراکه این فهم تاریخی کمک می‌کند تا بتوانیم اکنون خود را بهبود بخشیم، از این بابت که اصلاحات در تمام تاریخ ۱۵۰ ساله خود موفق نبوده است و در یک زمینه‌هایی موفق شده و در خیلی از زمینه‌ها هم شکست خورده است. بنابراین این سرمایه‌باید‌مورد آموزش و فهم جمعی قرار بگیرد تا ما از فرصت‌های اصلاحات استفاده کنیم و ضعف‌های اصلاحات و یا اصلاح‌طلبان را تبیین کنیم تا در نهایت دوباره نخواهیم این چرخه را تکرار کنیم. در اینکه

در داخل و همگرایی با سایر جریانات سیاسی فراهم‌شود، باهمدیگر نزدیک‌تر شویم و همفکری و همکاری کنیم تا آینده بهتری برای ایران رقم‌بخورد.

آین روزها به اصلاح‌طلب‌ها هجمه‌های بسیار زیادی وارد است؛ یکی از آن‌ها این است که چرا جریان اصلاحات نتوانست از یک جایی گروه‌های مختلف مردم را جذب این جریان سیاسی کند؟

ببینید زیرساخت‌های رسیدن به جامعه آرمانی اصلاح‌طلبانه فراتر از حوزه‌های سیاسی، نیازمند برخی از ظرفیت‌هاست؛ به‌عنوان نمونه وقتی صحبت از آزادی احزاب و نهادهای مدنی می‌شود به بستری نیاز است که در آن بستر همه قدرت در حوزه اقتصاد، سیاست، فرهنگ، هنر و ورزش در اختیار حاکمیت و یا در اختیار یک جریان فکری نباشد. یکی از دلایل اینکه بعد از سال ۸۴ جریان اصلاحات به‌رغم برخوردار بودن از نظریه برتری اصلاح‌طلبانه نتوانست در بطن و متن جامعه بروز و ظهور عملیاتی و عینی پیدا کند، این بود که تحت تأثیر فقدان آزادی، تمرکز قدرت، افزایش فشارهای اقتصادی و معیشتی روزبه‌روز امکان اعمال سیاست‌های اصلاح‌طلبانه در سطح جامعه به‌معنای پرسشگری از دولت و حاکمیت و در حقیقت ایجاد یک موازنه مثبت بین قدرت اجتماعی، قدرت مردمی و قدرت ملی با حاکمیت تضعیف شد. فکر می‌کنم که اگر تئوری و نظریه اصلاحات را به عنوان اهداف کلیدی افق چشم‌انداز ۲۰ ساله بعدی کشور قرار دهیم؛ با فراهم کردن شرایطی که همه ایرانیان صرف‌نظر از قومیت و جنسیت و نوع نگاه سیاسی، تعلق خاطر به ایران داشته باشند، می‌توان ایران به‌شدت آسیب‌دیده را مجدداً احیا کرد.

فکر می‌کنید اصلاح‌طلبان و گروه اصلاح‌خواهان به لحاظ فکری و عملکرد چقدر با همدیگر نزدیکی دارند و اگر بخواهیم این‌ها را با همدیگر متحد کنیم چه رویکردی باید در پیش گرفته شود؟

نفس وجود جبهه اصلاحات در بطن و متن خود دو پیش فرض را به همراه دارد؛ اول اینکه این ۳۱ حزب در برخی از امور عیناً همانند هم نمی‌اندیشند و لذا در درون جبهه اصلاحات هم اشخاص حقوقی اختلاف‌نظراتی را دارند. مثلاً رویکرد اقتصادی حزب توسعه ملی که عضو جبهه اصلاحات هست با رویکرد حزب کارگزاران در حوزه اقتصاد متفاوت است و سایرین هم ممکن است در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی اختلاف‌نظر داشته باشند اما عرصه‌هایی که به لحاظ کمی و کیفی همفکر هستند از وزن بیشتری نسبت به ساحت‌هایی که این اعضا در آن عرصه با همدیگر هم‌نظر نیستند بر خوردار است. نکته دیگری که باز در درون این جبهه اصلاحات هست، یک نقص آشکار در نظام حزبی کشور است. وقتی



ما راهی جز اصلاح‌طلبی در کشور نداریم یک نگاه مهم است و برای دفاع از خود مبانی دارد اما اینکه این اصلاحات چگونه بتواند این مسیر را طی کند مبنی بر اینکه بتواند از شکست‌های گذشته الهام بگیرد و بر موفقیت‌های گذشته بیافزاید، نیازمند این است که به نوعی از اکنون‌زدگی و گرفتار روزمرگی سیاسی شدن دوری کنیم و از آن خارج شویم و به درک عمیق‌تری از مبانی اصلاح‌طلبی، الزامات و اقتضانات برسیم. تا زمانی که درگیر مسائل صرفاً روزمره هستیم و کمتر نگاه عمیق به سرمایه‌های گذشته داریم، طبیعتاً با فراز و فرودهای جدی در عرصه اصلاحات روبه‌رو هستیم.

آین اکنون‌زدگی که به آن اشاره کردید معلول چه عواملی است و از چه دوره‌ای جریان اصلاحات به آن دچار شده است؟

اصلاً بحث اصلاحات نیست، شما این بخش را در اصولگرها نیز می‌توانید ببینید؛ حتی در برنامه‌ریزی توسعه ایران نیز دچار اکنون شدن را می‌بینید. به نظر می‌رسد که در ایران به‌رغم اینکه در کشور متفکران بزرگی داشتیم، تفکر در ایران خیلی جدی نیست. ما در عرصه‌های آموزش به‌ویژه آموزش عالی و آموزش و پرورش کمتر به جدی بودن تفکر می‌پردازیم و به ما آموزش داده نمی‌شود. بنابراین عمداً مایلیم وارد عرصه‌های عملی شویم تا مباحث نظری، البته که پرداختن به مباحث عملی ضروری است اما اگر متناسب با یک نظر درست نباشد، این عمل‌ها موفق نمی‌شود و در نهایت جامعه

